

# راهنمای جامع ادبیات

نویسنده: محمد حمله دار

## مقدمه

کتابی که پیش رو دارید راهنمایی جامع درباره ادبیات و شامل توضیحاتی مختصر و مفید راجع به تاریخ ادبیات، مکاتب ادبی، آرایه های ادبی، شعر، داستان و سایر گونه های ادبی همچون فیلمنامه و نمایشنامه است.

ارتباط با نویسنده:

[Mofidd.parsiblog.com](http://Mofidd.parsiblog.com)

[lastbeyt@chmail.ir](mailto:lastbeyt@chmail.ir)

فهرست را در آخرین صفحه ببینید.

## فصل اول: تاریخ ادبیات ایران

### ادبیات ایران پیش از اسلام

ادبیات در ایران پیش از اسلام به سروده‌های اوستا در حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد. این سروده‌ها که بخشی از سنت شفاهی ایرانیان باستان بوده‌اند سینه به سینه منتقل شده و بعدها بخشهای کتاب اوستا را در دوران ساسانی پدید آوردند. اوزان باستانی چامه در ایران ضربی و هجایی بودند و بنظر می‌رسد این شیوه در زبان پارسی باستان نیز مورد استفاده بوده‌است. در دوره اشکانیان ادبیات ایران تحت تاثیر نفوذ هلنیسم دچار دگرگونی شد. خنیاگران پارسی سروده‌های محلی که تا پس از اسلام نام پهلوی نیز داشتند را قرائت می‌کردند و این نوع شعر با آلات موسیقی همراه می‌شده‌است. با نفوذ اندیشه مانوی در سرزمین پهناور ایران و هنرگرایی آنان نوعی ادبیات شعرگونه مانوی به زبان‌های پارسی، پارسی میانه و سغدی در ایران پدید آمد. در آثار بدست آمده از واحه تورفان در کشور چین آثار پارسی فراوانی کشف شده که به این مقوله باز می‌گردند. در دوران ساسانی نگارش بهبود یافت و آثار فقهی و دینی و داستانی بسیاری به نگارش درآمد که برخی مانند کارنامه اردشیر بابکان، درخت آسوریک، یادگار زریران، ماتیکان، یوشت فریان نیز دارای جنبه‌های ادبی نیز بودند. با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی بسیاری از این نوشته‌ها از میان رفت و برخی نیز بدست زرتشتیان نجات یافته و عمدتاً به هندوستان منتقل گردید. که امروزه به ادبیات پهلوی شهرت دارند. دبیره (خط) به کار رفته در دوران پیش از اسلام برای نگارش آثار ادبی خط پهلوی، خط مانوی و خط سغدی بوده‌است و برخی آثار هم به پازند نوشته شده و به دین دبیره بوده‌اند. گاهی بهرام گور شاه ساسانی را دارای قریحه شاعرانه توصیف کرده و بیت‌هایی را به او منسوب ساخته‌اند مانند:

منم آن شیر دمان

من آن ببر یله

این منم بهرام گور

منم شیر شنبله

در آغاز دوران اسلامی نشانه‌هایی از علاقه مردم به شعر کهن در برخی متون ثبت شده‌است که ترانه کودکان بلخوبصره نمونه‌هایی از آن است. به هر حال تحت تاثیر صنعت شعری عرب گونه‌ای نو از ادبیات در ایران پدید آمد که بیشتر مبتنی بر چامه (شعر) بود. این چامه قالبی گاهی در قالب‌های بومی عرب و گاهی در قالب‌های ابداعی ایرانی سروده می‌شد.

در زمان بغتسما (۲۰۵ - ۲۵۹ ه. ق.) شاعری به نام حنظله بادغیسی (ف. ۲۲۰) ظهور کرد. در عهد بغتسما محمد بن وصیف و فیروز مشرقی و ابوسلیک گرگانی به چامه سرائی پرداختند.

## تاریخ ادبیات پارسی در دوران اسلامی

### سامانیان

در دوره سامانی چامه و نثر پارسی هر دو راه کمال سپرد. در شعر شهید بلخی، رودکی سمرقندی، ابو شکور بلخی، ابو الموید بلخی، منجیک ترمذی، دقیقی طوسی، کسائی مروزی، عماره مروزی. در نثر رساله در احکام فقه حنفی تصنیف ابوالقاسم بن محمد سمرقندی، شاهنامه ابو منصور، کتاب گرشاسب و عجائب البلدان هر دو تالیف ابو الموید بلخی، ترجمه تاریخ طبری توسط ابوعلی بلعمی، ترجمه تفسیر طبری توسط گروهی از دانشمندان، حدود العالم) در جغرافیا، رساله استخراج تالیف محمد بن ایوب حاسب طبری پرداخته شد. دوران سامانی یکی از دوران‌های درخشان در ادب پارسی به شمار می‌رود.

### خاندان بویه

در دوره آل بویه منطقی رازی و غضایری در شعر نامبردارند و در نثر دانشنامه رازی علائی و رگ‌شناسی به قلم ابن سینا پرداخته شد و ابو عبید جوزانی بخش ریاضی دانشنامه را به رشته تحریر درآورد و قصه حی بن یقظان به پارسی ترجمه و شرح شد.

### غزنویان

در دوره غزنوی فردوسی، عنصری بلخی، عسجدی، فرخی سیستانی و منوچهری شعر پارسی سبک خراسانی را به کمال رسانیدند و ابو نصر مشکان نویسنده مکتوبات درباری سبکی نو در نثر پدید آورد.

### سلجوقیان و خوارزمشاهیان

در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان شاعران بزرگ چون اسدی، ناصر خسرو، قطران تبریزی، مسعود سعد سلمان، عمر خیام، امیرمعزی، انوری، خاقانی، نظامی، ازرقی، ادیب صابر، رشید و طواط، ظهیر فاریابی، جمال‌الدین اصفهانی، مجیر بیلقانی، ابوالفرج رونی، سیدحسن غزنوی، عبدالواسع جبلی، سنایی، عطار، مختاری غزنوی، عمیق بخاری و جز آنان ظهور کردند.

در نثر نمایندگان مانند نظام‌الملک نویسنده سیاست‌نامه، قابوس بن وشمگیر مولف قابوس‌نامه، محمد بن منور نویسنده اسرارالتوحید، عطار نویسنده تذکرة الاولیاء، گردیزی مولف زین‌الخبار،

ابوالفضل بیهقی نویسنده تاریخ بیهقی، راوندی نویسنده راحة الصدور، غزالی مولف کیمیای سعادت، نصرالله منشی مترجم کلیله و دمنه، نظامی عروضی مولف چهار مقاله، رشید وطواط نویسنده حدائق السحر، حمیدالدین بلخی نویسنده مقامات حمیدی، اسماعیل گرگانی مولف ذخیره خوارزمشاهی) در طب ظهور کردند.

## تازشی مغول

شعر پارسی در دوره مغول روی هم رفته متمایل به سادگی و روانی بود و اگر چه برخی شاعران به پیروی از پیشینیان یا به سبب گرایش به آرایه‌های ادبی و تکلف‌های شاعرانه به چامه (شعر) مصنوع روی آوردند؛ این امر عمومیت نداشت و حتی همان شاعران مقلد و گاه متصنع، در برابر شعرهای دشواری که به منظور اظهار مهارت و استادی‌شان می‌سرودند، سروده‌های ساده بسیار داشتند که قصه دل و ندای ذوقشان بود. بیشتر مثنوی‌ها و همه غزل‌ها و بیشتر قصیده‌ها به زبان ساده روان و گاه نزدیک به زبان محاوره ساخته می‌شد. یکی از سبب‌های سستی برخی از بیت‌ها و یا به کار بردن ترکیب‌های نازل در پاره‌ای از شعرهای این دوره، همین نزدیکی به زبان محاوره است. اما این که بیشتر شاعران، به ویژه غزل‌سرایان، در پایان این دوره به زبان ساده‌تر مخاطب متمایل شده بودند؛ به این علت بود که رابطه گروهی از آنان با آثار استادان بزرگ پیشین کاهش یافته بود و نیز دسته‌ای از آنان شاعران ترک‌زبانی بودند که پارسی را می‌آموختند و هنگام سخن‌گویی ناگزیر ساده‌گویی می‌کردند. به همراه این سادگی، بیان یک ویژگی دیگر توجه به نکته‌سنجی و نکته‌یابی و نکته‌گویی است؛ یعنی گنج‌انیدن نکته‌هایی باریک در شعرها همراه با خیال دقیق و نازک‌بینی تام که معمولاً از آن‌ها در شعر به درون مایه (مضمون) تعبیر می‌شود. چنین نازک‌خیالی‌ها و نکته‌پردازی‌ها در چامه پارسی، به ویژه چامه غنایی ما از دیرباز وجود داشت؛ اما هر چه از سده‌های پیشین به زمان‌های متأخر نزدیک شویم، قوت آن را محسوس‌تر و به همان نسبت سادگی لفظه‌ها را برای آسانی بیان بیشتر می‌یابیم.

در این دوره سعدی نویسنده بوستان، گلستان و غزلیات، مولوی صاحب مثنوی معنوی و غزلیات شمس، محمود شبستری صاحب مثنوی گلشن راز، کمال‌الدین اسماعیل، همایم تبریزی، اوحدی مراغه‌ای گوینده جام جم، امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، ابن‌یمین، سلمان ساوجی، و حافظ شیرازی، در شعر پدید آمدند.

## تیموریان

دوره تیموریان دنباله دوره مغول محسوب می‌شود. در عهد تیموری جامی شاعر ظهور کرد. در عهد مغول و تیموری نویسندگانی ارجمند برخاستند، مانند عطا ملک جوینی مولف تاریخ جهانگشا، منہاج‌الدین سراج جوزجانی مولف طبقات ناصری، ابوالشرف ناصح گلپایگانی مترجم

تاریخ یمینی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی مدون و جامع جامع التواریخ، شهاب‌الدین عبدالله نویسنده تاریخ و صاف، حمدالله مستوفی نویسنده تاریخ گزیده، حافظ ابرو مولف زبده التواریخ، نظامی شامی نویسنده ظفرنامه، میرخواند مولف روضه الصفاء (همه در تاریخ)، عوفی نویسنده لباب الالباب و جوامع الحکایات، دولت‌شاه مولف تذکره الشعراء، محمد بن قیس نویسنده المعجم (در ادب و انواع آن)، نصیرالدین طوسی نویسنده اخلاق ناصری و اساس الاقتباس، جلال‌الدین دوانی نویسنده اخلاق جلالی، حسین واعظ نویسنده اخلاق محسنی و انوار سهیلی (در اخلاق و فنون و حکمت).

## صفویان

در دوره صفویان نثرنویسانی مانند خواندمیر نویسنده حبیب السیر، ابن بزاز اردبیلی نویسنده صفوه الصفاء، حسن بیک روملو مولف احسن التواریخ، اسکندر بیگ منشی مولف عالم آرای عباسی، احمد بن نصرالله نویسنده تاریخ الفی، محمد یوسف بن شیخ مولف منتخب التواریخ، ابوالفضل ابن مبارک مولف اکبر نامه (در تاریخ)، ظهور کردند و در شعر محتشم کاشانی، عرفی، صائب، بابا فغانی شیرازی، هاتفی، هلالی جغتایی، اهلی، وحشی، کلیم، نامبردارند.

## افشاریان و زندیان

در دوره افشاریان و زندیان گویندگانی مثل هاتف و پسر او سحاب، مشتاق اصفهانی، عاشق اصفهانی، و آذر بیگدلی (لطفعلی بیک شاملو) معروف شدند.

## قاجار

برخی شاعران و نویسندگان در دوره قاجار بازگشت به سبک قدیم (سبک خراسانی) کردند و شاعرانی مانند مجمر اصفهانی، صبا، وصال شیرازی، قآنی، فروغی بسطامی، سروش، محمود خان ملک الشعراء شیبانی و جز آنان نماینده این سبک‌اند. طاهره قره‌العین یکی از زنان شاعر این دوران است. در نثر رضاقلی هدایت مولف مجمع الفصحاء متمم روضه الصفا و ریاض العارفین، لسان‌الملک سپهر مولف ناسخ التواریخ، نویسندگان نامه دانشوران، اعتماد السلطنه مولف مرآت البلدان و ... شهرتی یافته‌اند.

## جدیدهای فرارود

احمد دانش و پیروانش در فرارود به ویژه در سمرقند و بخارا با تأکید بر معارف پروری اقدام به نگارش در شیوه‌های نو ادبی به زبان پارسی کردند. این گروه بعدها به جدیدها معروف شدند. از این جمله می‌توان به صدرالدین عینی، میرزا عبدالواحد منظم، حامد خواجه مهری، احمدجان

حمدی، سید احمد خواجه عجزی، محمود خواجه بهبودی، عبدالقادر شکوری، سید رضا علی‌زاده، محمد رسول رسولی اشاره کرد.

## ادبیات مشروطه

در دوره مشروطیت دگرگونی و تحولی در سطح فکر شاعران و نویسندگان پیدا شد. ادیب‌الممالک فراهانی، ادیب پیشاوری، پروین اعتصامی، محمد تقی بهار، افسر، ایرج، شوریده، عارف، عشقی، وحید دستگردی، یاسمی، یغما، و گروهی از معاصران نمایندگان شعر این دوره هستند و بی‌بی خانم استرآبادی، علی اکبر دهخدا، جمال زاده، صادق هدایت، محمد قزوینی، محمد علی فروغی، عباس اقبال، زین العابدین مراغه‌ای، محمد مسعود، رشید یاسمی، ذبیح الله صفا، عبدالحسین زرین کوب، صادق چوبک و گروهی از معاصران نماینده شعب مختلف نثر این دوره به شمار می‌روند.

## ادبیات انقلاب

افزون برمسایل وحوادث دوران انقلاب، موضوع ومقولهٔ جنگی با ابعاد وگسترده‌گی فراوانش چشم انداز جدیدی درشعروادب باز نمود وتصویرهای تازه ای را درشعرپدید آورد که ازاحساسات وعواطف دینی ووطن پرستی ورویاری عواطف شاعربا عوامل پیرامون و تجربهٔ مستقیم شاعران ازمسایل و وقایع وجریانهای ایام جنگ مایه می گرفت. شعراین دوره بویژه، درسالهای آغازین، شعرشعارگونه، پرتپش وعریان بود که تنها می خواست فریادهای شورانگیزمردم را گزارش کند، اما هرچه زمان می گذشت وهیجانهای جامعہ فرونشست؛ شعرنیز آرام ترمی شد، درخود بیشترفرو می رفت وشکل هنری به خود می گرفت. گاه شاعران این دوره نسبت به زن، جای تامل و تعمق است. سراینندگان پیشین جزشماری اندک، به رغم نظریهٔ والا واحترام آمیزی که اسلام نسبت به زن داشته، به او به چشم خردی وخواری می نگریستند. این نکته ای است که دلیل آن را باید درتاریخ مذکرایران مورد کنداکو قرارداد." فرهنگ وادب ایران، نه همیشه مذکر، لاقلاً دردوران های خاصی نیز، خنثی بوده است. چنان که زنان درشاهنامه درمقایسه با مردان شاهنامه دردرجه ی سوم اهمیت قراردادند. جزدردلیلی ومجنون، خسروشیرین، هفت پیکرو ویس ورامین، تصویری از زن به معنی عمومی کلمه درجاهای دیگرهمی کنیم. این چهاراثرتنها آثاری هستند که زن بویژه دنیای فردی او را به شکل رمانتیکی البته سخت احساساتی- بویژه درآثارنظامی- نشان داده اند. درمثنوی مولوی هم تصویری جامع از زنان همی بینید. دراین اثرزندگی زنان نشان داده نشده، بلکه آنها وسیله ای شده اند، تا حالات فلسفی وروانی مشترک بین مرد و زن یا مسایل متافیزیکی مربوط به عواطف انسان به طورکلی تجسم پیدا کند. یکی ازمشخصات شعرجدید پارسی، توجه به مسایل سیاسی ودردهای اجتماعی است، "درادبیا قدیم ما هم توجه به اوضاع واحوال اجتماعی وسیاسی



دیده می شود، اما هرگز صراحت و شمول و گستردگی ادبیات جدید را ندارد. توجه شاعران به ملت های مبارز و انقلابی و ابراز همدردی با آنها در شعر این دوران قابل تامل است. گفتنی است که شرایط ویژه انقلاب و جنگ، واژه ها و تغییرات تازه ای را وارد شعر کرد. از جمله عناصر طبیعی چون، لاله، گل، پرند و نور که همه مایه های لفظی جهت انگیزش عاطفی و تصویرسازی شاعرانه در عرفان هستند در دنیای احساسی شاعر، با آب و گل روحانی شست و شو داده می شوند و بعد معنوی می یابند. اضافه بر این واژه هایی از جنس آتش و خون و شهادت در شعر شاعران این دوره کاربرد فراوان یافت می شود. رخور تامل است که در این دوران در نثر خاصه در داستان نویسی نیز دگرگونی و تحولات بسیاری پدید آمد. بیشتر آثار این دوره، متأثر از مسایل اجتماعی، سیاسی، به ویژه جنگ است. به طوری که میدان گسترده ای پیش روی داستان نویس قرار می دهد که می تواند از رهگذر آن در ثبت هنرمندانه وقایع، تصویرگر دلاوری ها، حماسه ها، پیکار، پیروزی ها، شکست های آن باشد. همان طور که اشارات رفت در عرصه ادبیاتی داستانی، بیشتر از متأثر از جنگ و رخ دادهای آن هستند، اما در بین نویسندگان این کتابها رمانهای باغ بلور نوشته محسن مخملباف و زمین سوخته نوشته احمد محمود از نمونه های شاخص رمانهای بینابینی و بری از هر جهت گیری ویژه ای و زمستان ۶۲ و ثریا در اغما نوشته اسماعیل فصیح و آداب زیارت نوشته تقی مدرس و بحث ملخ نوشته جواد مجاب از نمونه های شاخص رمان منفی گراست. سخن آخر آن که می توان آثار ادبی مربوط به جنگ تحمیلی را این گونه تقسیم بندی کرد ادبیات مقاومت، ادبیات جبهه، ادبیات دوران اشارت و بازداشتگاه، ادبیات پشت جبهه.

## فصل دوم: مکاتب ادبیات غرب

مکتب های ادبیات غرب بیش از تعدادی هستند که در ذیل می آید لیکن ما مهم ترین و پرکاربردترین هایشان را برگزیدیم.

### کلاسیسیسم

به طور کلی کلاسیسیسم عبارت است از عقیده طرفداران تقلید از نویسندگان و هنرمندان یونان باستان یا روم، و نویسندگان قرن هفدهم فرانسه.

### رمانتیسیسم

رمانتیسیسم را باید نوعی واکنش احساسی در برابر خردمحوری به شمار آورد. تمایل به برجسته کردن خویشتن انسانی، گرایش به سوی خیال و رویا و ابراز عواطف و احساسات از ویژگی های این مکتب است.

### رئالیسم

واقع گرایی یا رئالیسم در هنرهای تصویری و ادبیات، نمایش چیزها به شکلی است که در زندگی روزانه هستند، بدون هرگونه آرایش یا تعبیر افزون. این واژه همچنین برای شرح کارهای هنری که برای آشکارکردن راستی، چیزهایی چون زشتی و پستی را تایید کرده اند نیز به کار می رود. رئالیسم به شدت با رومانتیسیسم مخالف است.

### ناتورالیسم

ناتورالیسم یا طبیعت گرایی رخنه در روندهای عمقی واقعیت را وظیفه ی خود نمی شناسد، بلکه کافی می داند که خلاقیت هنری به کپی کردن اشیا و پدیده های تصادفی و انفرادی واقعیت بپردازد.

## سمبولیسم

در مکتب سمبولیسم یا نمادگرایی اثر هنری باید تا حد ممکن از بیان مستقیم مفاهیم فرار کند و به نمادها و نشانه‌ها پناه آورد. نمادها و نشانه‌ها، خواننده را در کشف راز و رمزهای اثر به تحرک درمی آورد و او را از قالب یک شاگرد حرف گوش کن بیرون می‌آورد.

## مدرنیسم

نوگرایی، که از آن به نام‌های تجدد یا مدرنیسم نیز یاد می‌شود، به معنی گرایش فکری و رفتاری به پدیده‌های فرهنگی نو و پیشرفته‌تر و کنار گذاردن برخی از سنت‌های قدیمی است. انسان محوری، خردگرایی و ماده گرایی از مؤلفه های مدرنیسم هستند.

## پست مدرنیسم

اگر بخواهیم پست مدرنیسم را در یک واژه تعریف کنیم باید بگوییم پوچ گرایی اصلی ترین مشخصه این مکتب است.

## فصل سوم: ادبیات داستانی

### داستان کوتاه

داستان کوتاه گونه‌ای از ادبیات داستانی است که نسبت به رمان یا داستان بلند حجم کم‌تری دارد و نویسنده در آن برشی از زندگی یا حوادث را می‌نویسد درحالی که در داستان بلند یا رمان، نویسنده به جنبه‌های مختلف زندگی یک یا چند شخصیت می‌پردازد و دستش برای استفاده از کلمات باز است. به همین دلیل ایجاز در داستان کوتاه مهم است و نویسنده نباید به موارد حاشیه‌ای بپردازد.

### بزرگان داستان کوتاه

- آنتوان چخوف
- نیکلای گوگول
- ارنست همینگوی
- خورخه لوئیس بورخس
- ساموئل بکت
- او. هنری
- گی دو موپاسان
- جروم دیوید سالینجر
- ریموند کارور
- ادگار آلن پو
- سر ارتور کنان دوئل

### بخشی از داستان کوتاه آخرین برگ اثر ا. هنری

گرینویچ، یکی از بخش‌های شهر نیویورک، جایی که انبوه نقاشان آن را ناحیه‌ی هنری قرار داده بودند، یک قسمت بسیار غم‌انگیز شهر بوده است. در زیر سقف یک خانه‌ی سه طبقه، اتاقی با پنجره‌یی به سوی شمال که هیچ سایه‌یی را به داخل آن راه نبود، به خاطر مناسب بودن اجاره‌ی آن، کارگاه نقاشی سو sue، که مخفف سوزان است و جانسی که نام اصلی‌اش یوهانا بوده است، تشکیل شده است.

سو و جانسی یک‌دیگر را در ماه نوامبر به‌طور تصادفی در یک رستوران دیده بودند و در نگاه اول نسبت به یک‌دیگر علاقه‌مند شده و با هم شروع به یک زندگی مشترک کردند.

هنگامی که در ماه نوامبر بادهای بسیار سرد شمالی شروع به وزیدن کردند، جانسی دچار سینه پهلو شد که دیری نپایید او را بستری کرد. موطن اصلی او که کالیفرنیا معتدل باشد، در بدنش ایجاد مقاومت زیادی نکرده بود. دکتر در راهرو به سو گفت: «امید به سلامتی ایشان تقریباً یک در ده است، این شانس باید ایشان را امید به زندگی کند با این که ایشان خیلی جوانند، به سرشان زده است، دیگر امیدی به زندگی ندارند، آیا چیزی وجود دارد که ایشان را تحت تاثیر قرار بدهد؟»

«ایشان می‌خواستند یک‌بار خلیج ناپل را نقاشی کنند...»

«نقاشی؟ چه به معنی! آیا کسی در زندگی‌شان وجود دارد تا ایشان به او متکی باشد؟ به‌طور مثال یک مرد»

«آیا یک مرد ارزشی دارد؟ نه، آقای دکتر!»

دکتر سرانجام گفت: «بسیار خوب، من وظیفه‌ی طبی خودم را انجام خواهم داد، اما وقتی که ایشان شروع به شمارش تشیع‌کنندگان جنازشان کردند، آن وقت است که دیگر داروهای طبی اثر علاج‌کننده‌شان را از دست می‌دهند.»

### **داستان بلند**

نوعی داستان است که از داستان کوتاه طولانی‌تر و از رمان کوتاه‌تر است. داستان بلند، از حیث تکوین شخصیت‌ها در جریان داستان، به رمان نزدیک است. اما حدود این تکوین شخصیت و پرورش مضمون در داستان بلند از رمان محدودتر است. همچنین داستان بلند بر حادثه‌های واحد و به هم پیوسته‌ای تمرکز پیدا می‌کند و اغلب بعد زمانی کوتاه‌تر را دارد گاهی نیز تأثیر واحدی را القا می‌کند.

### **نویسندگان بزرگ داستان بلند**

لئون تولستوی

فرانتس کافکا

هنری جیمز

ارنست همینگوی

صادق هدایت

«مسخ» از فرانتس کافکا، «مرگ ایوان ایلیچ» از لئو تولستوی و همچنین «بوف کور» از صادق هدایت نمونه‌هایی از داستان بلند هستند.

## رمان

رمان روایتی‌ست منشور از سلسله حوادثی که زنجیروار با یکدیگر پیوند دارند و ماجراهایی را روایت می‌کنند که از حرکت بیرونی یا درونی برخوردار بوده و دارای نقطه آغاز و پایان هستند، همچنین از شخصیت‌هایی (شخصیت‌ها الزاما انسان نیستند) برخوردارند که هر یک نقش و تاثیری در آن داشته و همه روایت این سلسله حوادث مبتنی‌ست بر زمان و مکان. البته تقدم و تاخر این رخدادها می‌تواند به دلخواه نویسنده و به ضرورت ساختمان اثر شکسته شود.

رمان‌های برجسته و رمان نویسان بزرگ بسیارند و نمی‌توان برخی را نام برد و برخی را وانهاد اما می‌توان مجموعه هری پاتر نوشته جی.کی. رولینگ را به عنوان برجسته‌ترین اثر معاصر نام برد. اسامی این رمان‌های هفت‌گانه به ترتیب عبارت‌اند از:

هری پاتر و سنگ جادو

هری پاتر و تالار اسرار

هری پاتر و زندانی آزکابان

هری پاتر و جام آتش

هری پاتر و محفل ققنوس

هری پاتر و شاهزاده دورگه

هری پاتر و یادگاران مرگ

همچنین آثار کلاسیک قرن نوزدهم نیز جزو برجسته‌ترین رمان‌ها هستند و مقام معظم رهبری آنها را «بهترین رمان‌های دنیا» معرفی کرده‌اند.

## فصل چهارم: شعر

### شعر

شعر کلامیست موزون، مقفا و مقطع. شعر نو تعریف دیگری دارد که خواهد آمد.

### ردیف و قافیه

قافیه به کلماتی می گویند که در آخر هر دو مصراع یک بیت و یا فقط در پایان بیت‌های یک شعر ، با هم هماهنگ باشند به این صورت که حرف آخر و حرکت حرف ماقبل آخر آنها یکسان باشد ، مثل عرش و فرش.

ردیف به کلمه یا کلماتی گفته می شود که پس از قافیه عیناً به یک معنی تکرار می شوند . ردیف می تواند یک کلمه یا یک جمله باشد .

مثلاً «خواهد شد» در بیت زیر ردیف محسوب می شود:

نفس باد صبا مشك فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

### عروض

عروض واژه‌ای عربی و به معنای فن سنجیدن شعر و شناختن وزن‌ها و بحرهای کلام منظوم با افاعیل عروضی و پیدا کردن اوزان اشعار برپایه آن افاعیل است. به این دلیل این دانش را عروض نامیده‌اند که وزن شعر بر آن عرضه می‌شود. برابر پارسی چامه‌سنجی برای آن مناسب می‌نماید. در ضمن، اصطلاح عروض به جزو آخر از مصراع اول هر بیت شعر هم اطلاق می‌شود.

برای آشنایی با قواعد عروض و روش به دست آوردن وزن عروضی، می‌توانید به کتاب «آشنایی با عروض و قافیه» نوشته دکتر سیروس شمیسا و همچنین سایت [arooz.net](http://arooz.net) مراجعه نمایید.

### وزن

وزن شعر ایجاد نظم و هماهنگی در طول مصراعها و چیدمان هجاهای هر مصراع است. در فارسی معمولاً منظور از وزن شعر، وزن عروضی و اسلوب‌های برگرفته از آن یا تکنیک‌های دیگری مانند وزن هجایی و آهنگی است. مطابق این تقسیم‌بندی غالب، بعضی اشعار از جمله

اشعار قالب سنتی فارسی دارای وزن تشخیص داده می‌شوند و در مقابل بسیاری از اشعار مدرن مانند شعر سپید فاقد وزن خوانده می‌شوند.

یک هجا یا بخش یک واحد سازمان دهنده برای سلسله صداهای گفتاری است. هجا اساساً از یک هسته (بیشتر اوقات مصوت) همراه با لبه‌های آغازین و پایانی (معمولاً صامت‌ها) تشکیل می‌شود.

هجاها معمولاً به عنوان واجگان «سازنده قطعات» حروف شناخته می‌شوند. آنها می‌توانند ریتم یک زبان، قواعد شعری، الگوهای تاکید و... آنرا تغییر دهند.

مثال:

بر سر در بهشت خدا حک شده چنین

بختش بلند هرکه گرفتار حیدر است

وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

### قالب های شعری

شعر بر اساس نوع چینش قافیه، به قالب های گوناگونی تقسیم می شود که در ادامه می آید:

### ترجیع بند

ترجیع بند از قالب های شعر فارسی است که از غزل های چند بیتی که هم وزن هستند تشکیل شده و برای اتصال این غزل ها به یکدیگر از یک بیت تکراری استفاده می نماید. بیت ترجیع با قافیه ای ویژه و لفظ و معنی یکتا تکرار می گردد. این بیت بند ترجیع یا بند برگردان نامیده می شود. به هریک از غزل ها، خانه یا رشته گفته می شود. هر خانه از ۵ تا ۲۵ بیت (گاه کمتر یا بیشتر) تشکیل شده. اولین ترجیع بند را فرخی سیستانی و معروفترین ترجیع بندها از هاتف اصفهانی و سعدی است.

نمونه ترجیع بند

دردا که به لب رسید جانم

آوخ که ز دست شد عنانم

کس دید چو من ضعیف هرگز



کز هستی خویش در گمانم  
پروانه ام اوفتان و خیزان  
یکبار بسوز و وارهانم  
گر لطف کنی به جای اینم  
ورجور کنی سرای آنم  
بنشینم و صبر پیش گیرم  
دنباله کار خویش گیرم  
زان رفتن و آمدن چگویم  
می آیی و می روم من از هوش  
یاران به نصیحتم چه گویند  
بنشین و صبور باش و مخروش  
ای خام، من این چنین در آتش  
عییم مکن ار برآورم جوش  
تا جهد بود به جان بکوشم  
و آنگه به ضرورت از بن گوش  
بنشینم و صبر پیش گیرم  
دنباله ی کار خویش گیرم  
ای بر تو قبای حسن چالاک  
صد پیرهن از جدائیت چاک  
پیشت به تواضع است گویی  
افتادن آفتاب بر خاک

ما خاک شویم و هم نگرود  
خاک درت از جبین ما پاک  
مهر از تو توان برید هیهات  
کس بر تو توان گزید حاشاک  
بنشینم و صبر پیش گیرم  
دنباله ی کار خویش گیرم  
سعدی

### ترکیب بند

مجموعه چند غزل یا قصیده بر یک وزن که هر کدام قافیه مخصوص به خود دارد و بیت‌های متفاوتی در بین هر غزل عامل اتصال غزل‌ها با یکدیگر است. تفاوت اساسی ترکیب بند و ترجیع بند در این است که در ترجیع بند، بیت ترجیع بند، بیت ترجیع همه قسمت‌ها یکسان است. ولی در ترکیب بند، بیت ترکیب متفاوت و قافیه‌ای هربار به گونه‌ای دیگر دارد. اولین ترکیب بند موجود را قطران تبریزی سروده و معروف ترین ترکیب بندهای فارسی از محتشم کاشانی (واقعه کربلا) و جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی (در نعت پیامبر) و وحشی بافقی (شرح پریشانی) است. موضوع ترکیب بند مواردی از قبیل مدح، وصف، رثا، عشق، و عرفان را در بر می‌گیرد.

نمونه ترکیب بند:

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید  
داستان غم پنهانی من گوش کنید  
قصه بی سر و سامانی من گوش کنید  
گفت و گوی من و حیرانی من گوش کنید  
شرح این آتش جانسوز نهفتن تا کی  
سوختم سوختم این سوز نهفتن تا کی

روزگاری من و دل ساکن کویی بودیم  
ساکن کوی بت عربده جویی بودیم  
عقل و دین باخته، دیوانه رویی بودیم  
بسته سلسله ی سلسله مویی بودیم  
کس در آن سلسله غیر از من و دل بند نبود  
یک گرفتار از این جمله که هستند نبود  
نرگس غمزه زنش این همه بیمار نداشت  
سنبل پر شکنش هیچ گرفتار نداشت  
این همه مشتری و گرمی بازار نداشت  
یوسفی بود ولی هیچ خریدار نداشت  
اول آن کس که خریدار شدش من بودم  
باعث گرمی بازار شدش من بودم  
وحشی بافقی

### چهارپاره

چهارپاره یا چارپاره یکی از قالبهای شعر فارسی است. این قالب در شعر کلاسیک فارسی تازه است و پس از مشروطیت در ایران رواج یافته است. چهارپاره از دوبیتی‌هایی با معنای منسجم تشکیل شده است، با این تفاوت که برخلاف دوبیتی، معمولاً مصرع‌های اول با مصرع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه نیست و از لحاظ وزن نیز کافی است که مصرع‌ها هم‌وزن باشند.

از معروف‌ترین شعرایی که در این قالب طبع‌آزمایی کرده‌اند می‌توان از فریدون توللی، فریدون مشیری، مهدی سهیلی و پرویز خانلری یاد کرد.

## نمونه چهارپاره

صبح یک روز نوبهاری بود	روزی از روز های اول سال
بچه ها در کلاس جنگل سبز	جمع بودند دور هم خوشحال
بچه ها گرم گفت و گو بودند	باز هم در کلاس غوغا بود
هر یکی برگ کوچکی در دست	باز انگار زنگ انشا بود
تا معلم ز گرد راه رسید	گفت با چهره ای پر از خنده
باز موضوع تازه ای داریم	"آرزوی شما در آینده"
شبم روی برگ گل برخاست	گفت: می خواهم آفتاب شوم
ذره ذره به آسمان بروم	ابر باشم، دوباره آب شوم
دانه آرام بر زمین غلتید	رفت و انشای کوچکش را خواند
گفت: باغی بزرگ خواهم شد	تا ابد سبز سبز خواهم ماند
غنچه هم گفت گرچه دلتنگم	مثل لبخند باز خواهم شد
با نسیم بهار و بلبل باغ	گرم راز و نیاز خواهم شد
جوجه گنجشک گفت: می خواهم	فارغ از سنگ بچه ها باشم
روی هر شاخه جیک جیک کنم	در دل آسمان رها باشم

جوجه ی کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهسپار شوم

تا افق های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

جوجه های کبوتران گفتند: کاش می شد کنار هم باشیم

توی گلدسته های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم

زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

هر یک از بچه ها به سوی رفت و معلّم دوباره تنها شد

با خودش زیر لب چنین می گفت: آرزو هایتان چه رنگین است

کاش روزی به کام خود برسید بچه ها آرزوی من این است

قیصر امین پور

## دوبیتی

دوبیتی (نام دیگر: فهلویات) از قالب‌های ریشه‌دار شعر پارسی است. دوبیتی شعری یازده هجایی مرکب از چهار مصرع، همه بر یک قافیه (جز مصرع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است) است. دو بیت و وزن تکامل یافته و عروضی شده نوعی از ترانه‌های دوازده هجایی قدیم ایران است. نامدارترین وزن دوبیتی بحر هزج مسدّس مقصور (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) و مشهورترین شاعر بر وزن نام برده باباطاهر است. باباطاهر عریان و فایز دشتی بزرگترین دوبیتی سرایان ایرانند.

نمونه دو بیتی:

مکن کاری که بر پا سنگت آيو  
جهان با اين فراخی تنگت آيو  
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند  
ترا از نامه خواندن ننگت آيو  
باباطاهر

### رباعی

رباعی نوعی شعر است در چهار مصرع که جز مصرع سوم دیگر مصراع‌ها هم قافیه‌اند. و وزن آن هم وزن عبارت لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ است.

نمونه رباعی:

این کهنه رباط را که عالم نام است  
آرامگه ابلق صبح و شام است  
بزمی است که وامانده صد جمشید است  
گوریست که خوابگاه صد بهرام است

خیام

### غزل

غزل قالبی از شعر است که در آن مصرع یکم و مصراع‌های زوج هم قافیه‌اند و حد معمول آن به طور میانگین ۵ تا ۱۲ بیت است.

نمونه غزل:

هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر  
در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت  
تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب

جان عزیز خود به نوا می فرستمت  
ای غایب از نظر که شدی همنشین دل  
می گویمت دعا و ثنا می فرستمت  
در روی خود تفرج صنع خدای کن  
کینه خدای نما می فرستمت  
تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند  
قول و غزل به ساز و نوا می فرستمت  
ساقی بیا که هاتف غییم به مژده گفت  
با درد صبر کن که دوا می فرستمت  
حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر توست  
بشتاب هان که اسب و قبا می فرستمت  
حافظ

### قطعه

قطعه شعری است که مصراع های اولین بیت آن هم قافیه نیستند ولی مصراع دوم تمام ادبیات آن هم قافیه اند.

نمونه قطعه:

خلید خار درشتی به پای طفلی خرد  
بهم برآمد و از پویه باز ماند و گریست  
بگفت مادرش این رنج اولین قدم است  
ز خار حادثه، تیه وجود خالی نیست  
هنوز نیک و بد زندگی به دفتر عمر  
نخوانده‌ای و به چشم تو راه و چاه، یکیست  
ز پای، چون تو در افتاده‌اند بس طفلان  
نیوفتاده درین سنگلاخ عبرت، کیست  
ندیده زحمت رفتار، ره نیاموزی  
خطا نکرده، صواب و خطا چه دانی چیست  
دلی که سخت ز هر غم تپید، شاد نماند  
کسیکه زود دل آزرده گشت دیر نزیست  
ز عهد کودکی، آماده‌ی بزرگی شو  
حجاب ضعف چو از هم گسست، عزم قویست  
بچشم آنکه درین دشت، چشم روشن بست  
تفاوتی نکند، گر ده است چه، یا بیست  
چو زخم کارگر آمد، چه سر، چه سینه، چه پای  
چو سال عمر تبه شد، چه یک، چه صد، چه دویست  
هزار کوه گرت سد ره شوند، برو  
هزار ره گرت از پا در افکنند، بایست



### قصیده

قصیده نوعی از شعر است که دو مصرع بیت اول و مصرع های دوم بقیه ی بیت های آن هم قافیه اند. تفاوت قصیده با غزل در تعداد ابیات و موضوع شعر است. موضوع قصیده مدح، ذم، سوگواری، بزم، وصف طبیعت و موعظه است و تعداد ابیاتش بیشتر از غزل است.

#### نمونه قصیده

بهار تازه دمید، ای به روی رشک بهار      بیا و روز مرا خوش کن و نبید بیار  
همی به روی تو ماند بهار دیبا روی      همی سلامت روی تو و بقای بهار  
رخ تو باغ من است و تو باغبان منی      مده به هیچکس از باغ من، گلی، ز نهار!  
به روز معرکه، بسیار دیده پشت ملوک      به وقت حمله، فراوان دریده صف سوار  
همیشه عادت او بر کشیدن اسلام      همیشه همت او نیست کردن کفار  
عطای تو به همه جایگه رسید و، رسد      بلند همت تو بر سپهر دایره وار  
کجا تواند گفتن کس آنچه تو کردی      کجا رسد بر کردارهای تو گفتار؟

#### فرخی

#### مثنوی

قالبی از شعر فارسی است که دارای ابیات زیادی بوده و برای سرودن داستان‌ها و مطالب طولانی کاربرد دارد. در این قالب هر بیت دارای قافیه‌ای جداگانه است و به همین دلیل به آن مثنوی (دو تا دو تا) گفته می‌شود. از بزرگترین سروده های ادبیات پارسی که در قالب مثنوی سروده شده اند، شاهنامه ی فردوسی می باشد. کلیله و دمنه رودکی و آفرین نامه ابوشکور بلخی نیز از اولین نمونه‌های مثنوی است. از جمله دیگر سرایندگانی که از این قالب استفاده کرده‌اند می‌توان از مولانا جلال‌الدین بلخی نام برد که مطالب عرفانی خود را در قالب مثنوی سروده است. جامی و نظامی نیز از دیگر شاعران بزرگ این قالب اند. این قالب شعری خاص زبان فارسی است.

نمونه مثنوی:

این دهان بستی دهانی باز شد

تا خورنده لقمه های راز شد

چند خوردی چرب و شیرین از طعام

امتحان کن چند روزی در صیام

چند شب ها خواب را گشتی اسیر

یک شبی بیدارشو! دولت بگیر

گر تو این انبان ز نان خالی کنی

پر ز گوهرهای اجلالی کنی

تا تو تاریک و ملول و تیره ای

دان که با دیو لعین هم شیره ای

طفل جان از شیر شیطان باز کن!

بعد از آنش با ملک انباز کن

لقمه تخم است و برش اندیشه ها

لقمه بحر و گوهرش اندیشه ها

مولوی

### مستزاد

مُستَزاد مشتق کلماتی چون زاید است. این نام به قالبی از قالبهای شعر فارسی اطلاق شده است و در حقیقت غزلی است که کلمه یا جمله موزون و هماهنگی به آخر تمامی مصرعها اضافه شده است.

مستزاد برای اولین بار توسط مسعود سعد سلمان سروده شد. بعد از او شعرای زیادی به این قالب شعر گفتند.

سوزانی سوزت که چنان سرب مذاب است..... سویم به شتاب است

از شوق تو این سینه چنین در تب و تاب است.....حالم چه خراب است

با جمله کند خنده و با من به عتاب است..... یک خنده ثواب است

در نزد همه زلف پریشان به خطاب است..... اینجا به حجاب است

بر فرض که از هر مژده یک تیر حساب است..... صد قبضه خشاب است

عمری که شده بی تو به سر ، نقد شباب است.....کوته چو حباب است

تا وصل میسر نشود ، عمر عذاب است.....این عمر حساب است؟

آنروز که گویند حساب است و کتاب است.....نزدت چه جواب است؟

از سیطره چشم تو کو همچو عقاب است.....رستن چو سراب است

هر نقشه ندانم چه شده نقش بر آب است.....صیاد که خواب است

یک پند دهم گر شنوی پند صواب است ..... آن نفی نقاب است

اشعار رضا را چو بخوانی همه ناب است ..... بر طبع تو باب است

### مسمط

مُسمَط به نوعی از قصیده یا اشعاری گفته می‌شود که شاعر بنای آن را بر چند مصراع هم‌قافیه بنهد و مصراع آخر را بر قافیه‌ای دیگر قرار دهد.

هر بخش از مسمط را یک رشته می‌گویند. قافیه رشته‌ها متفاوت است و در هر رشته، همه مصراع‌ها بجز مصراع آخر هم‌قافیه است. در مسمط، مصراع آخر هر رشته را بند می‌گویند. بندها هم‌قافیه و حلقه اتصال همه رشته‌ها به یکدیگر است.

بنیان‌گذار این قالب منوچهری دامغانی، شاعر قرن پنجم، است. به مسمط‌هایی که بند و رشته مسمط آن‌ها مجموعه سه مصراع باشد، مسمط مثلث (سه‌تایی) اطلاق می‌شود. همین‌طور، به چهارمصراعی مربع (چهارتایی)، به پنج‌مصراعی مخمس (پنج‌تایی)، به شش‌تایی مسدس، و به هشت‌تایی مثنی می‌گویند، که درمیان همه این موارد، مسدس از همه رایج‌تر است.

نمونه ی مسمط:

گویی بط سپید جامه به صابون زده است

کبک دری ساق پای در قدح خون زده است

بر گل تر دلیب، گنج فریدون زده است

لشگر چین در بهار، خیمه به هامون زده است

لاله سوی جویبار خرگه بیرون زده است

خیمه آن سبزگون خرگه این آتشین

باز مرا طبع شعر سخت به جوش آمده است

کم سخن عندلیب، دوش به گوش آمده است

از شغب مردمان لاله به جوش آمده است  
زیر به بانگ آمده است بم بخروش آمده است  
نسترن مشکبوی، مشک فروش آمده است  
سیمش در گردن است، مشکش در آستین

### مفرد

تکبیت یا مفرد یک سبک شعر کهن فارسی است که از یک بیت (معادل دو مصراع) تشکیل شده است. بیشتر تکبیتی‌ها تبدیل به ضرب‌المثل شده است. سعدی، صائب تبریزی و هاتف اصفهانی از معروف‌ترین سراینده‌گان تک بیت بوده‌اند.

نمونه مفرد:

میمیرم و همچنان نظر بر چپ و راست

تا آنکه نظر در او توان کرد، کجاست؟

سعدی

### نیمایی

شعر نیمایی شعری است که از قالب‌های وزن و قافیه‌ی شعر سنتی پیروی نمی‌کند و به دو دسته‌ی نو (که کاربردی جدید از عروض سنتی است) و سپید (که از کاربرد عروض سنتی و قالبهای آن بدور است) تقسیم می‌شود. خیالپردازی اصلی‌ترین مشخصه‌ی محتوایی شعر نو است. نیما یوشیج، سهراب سپهری و اخوان ثالث از شاعران برجسته‌ی این قالب هستند.

نمونه شعر نیمایی:

شب را نوشیده ام

و بر این شاخه‌های شکسته می‌گریم

مرا تنها گذار

مرا با رنج بودن تنها گذار

مگذار خواب وجودم را پرپر کنم

مگذار از بالش تاریک تنهایی سر بر دارم

و به دامن بي تار و پود رؤيا ها بياويزم

سپيدي هاي فريب  
روي ستون هاي بي سايه رجز مي خوانند  
طلسم شكسته ي خوابم را بنگر  
بيهوده به زنجير مرواريد چشمم آويخته

او را بگو  
تپش جهنمي مست  
او را بگو : نسيم سياه چشمانت را نوشيده ام  
نوشيده ام كه پيوسته بي آرامم  
جهنم سر گردان  
مرا تنها گذار

سهراب سپهری

## فصل پنجم: متفرقه

### فیلم نامه

فیلمنامه داستانی است که همراه با توضیح صحنه‌ها برای ساخت فیلم نوشته می‌شود. عناصر فیلمنامه از داستان و شخصیت‌ها، صحنه‌ها، سکانس‌ها، پرده‌ها، موسیقی، مکان‌ها و ... تشکیل شده‌اند.

### بخشی از فیلمنامه کوتاه دوچرخه (نوشته پیمان عوض پور):

خارجی - روز - خیابان شلوغ

پسرکی ۹ساله درحالیکه دوچرخه سواری می کند با غرور اطراف را نگاه می کند ، بعد از طی کردن مسافتی ، اتوموبیلی از خیابان فرعی واردخیابان اصلی شده وباسرعت به او برخورد می کند /

داخلی -روز- کلاس درس سوم دبستان

محسن که کله اش را برروی دستانش برروی میزی که پشت آن نشسته گذاشته ، با تلنگری که معلم برسرش می زند از خیال درمی آید  
محسن: آخ

همکلاسی ها می خندند /

معلم درکنار تخته وایت بورد ایستاده و تدریس میکند

معلم : بله بچه ها ؛ شماها دعاتون بهتر از مابزرگتراستجب میشه ، دلاتون پاکه ، گناهاتون به اندازه ی دلاتون کم و کوچیکن /

محسن : ای خدا دوچرخه ، دوچرخه ، ای خدا

معلم متوجه و می شود ، به سمتش می رود .

معلم : چی شده ماهوتی ؟ !

زنگ مدرسه به صدا درمی آید ، معلم فرصت نمی کند به محسن برسد، شاگردان کوله هاو

کیفهایشان را برمی دارند و به سرعت به طرف درب خروجی کلاس می روند /

خارجی -روز- همان ساعت - پارکینگ مدرسه

در پارکینگ مدرسه ،چند تن ازمکلاسیهاو دیگرشاگردان مدرسه دوچرخه هایشان را

برداشته سوارشان شده و از انجا دورمی شوند ،پسرک با حسرت آه می کشد.

## نمایش نامه

نمایشنامه به متن قابل اجرا در تئاتر (نمایش) گفته می‌شود. نمایشنامه معمولاً در قالب گفتگو بین شخصیت‌ها نوشته می‌شود. مکان و زمان رخ دادن حوادث و نیز توضیح درباره صحنه قبل از نوشتن متن نمایش اهمیت دارند. در نمایشنامه حالات چهره بازیگر نیز ذکر می‌شود. هر پرده از نمایش شامل بخش‌های مختلفی است که ساختار نمایشنامه را تشکیل می‌دهند.

### بخشی از نمایشنامه عکاس نوشته پژمان شهوردی:

/نوری ضعیف/

سمیر: ای وای ای وای ای وای. تو چیکار کردی مهرباب؟

مهرباب: هیچی چیکار کردم؟ وجدانم رو گرو گذاشتم. می فهمی؟

سمیر: تبر برداشتی وبه ریشه زدی.. به خداوندی خدا، کافرشدی ، کفر کردی.

مهرباب: کفر؟ کدوم خدا می گه که من کافر؟ من فقط-

سمیر: گند تعفت اینجا رو برداشته. بوی کافور می دی.. حالم ازت به هم می خوره.

مهرباب: /فریاد/ چرا نمیخای بفهمی. داری اشتباه می کنی سمیر.

//نوری ضعیف//کلاس درس.

سهیل: مهربان است و می خندد و گه گاه می لرزد و از رعشه هایش می توان فهمید که حرف های ناگفته دارد. خط های پیشانی پدر نشان از روزهایی دارد که شب شده اند تا من آرامش را احساس کنم. پدر من بهترین پدر دنیاست. این بود انشای من /صدای دست زدن/

## نقد فیلم

نقد فیلم تحلیل و بررسی همه جانبه یک اثر سینمایی یا تلویزیونی است. و معمولاً در پاسخ به این سه سوال است که فیلم چه می خواهد بگوید؟ چگونه می گوید؟ و آیا از عهده گفتنش برآمد؟



## بخشی از نقد فیلم نوح نوشته میثم کریمی

احتمالاً کمپانی پارامونت هرگز تصور نمی کرد که پروژه « نوح » با چنین حواشی پر رنگی در چند روز مانده به اکران مواجه شود. البته پروژه « نوح » از همان اولین روزهای انتشار اخبار ساخت، در صدر اخبار خبرگزاری ها قرار گرفت و با اینکه این پروژه تقریباً در سکوت کامل خبری در حال ساخته شدن بود، اما معمولاً از گوشه و کنار، تصاویری (مخصوصاً از کشتی معروف) منتشر می شد. با اینحال حدود یک ماه مانده به اکران فیلم، ناگهان موج مخالفت شخصیت های مذهبی علیه فیلم شدت گرفت و این قضیه به حدی جدی شد که برخی از کشورها اکران فیلم « نوح » را تحریم کردند.

اما مشکل اصلی « نوح » نه تحریم برخی از کشورها برای اکران فیلم، بلکه مخالفت های غیر رسمی پاپ مسیحیان بود که این یکی واقعاً یک خطر بزرگ برای گیشه محسوب می شد. به همین جهت پارامونت به سرعت دست به کار شد و سعی کرد با وساطت افراد پرنفوذ، تأیید پاپ را بدست بیاورد و حتی از راسل کرو که در نقش نوح پیامبر در این فیلم ایفای نقش کرده درخواست کرد تا به ملاقات پاپ برود تا اختلافات احتمالی برطرف شود و پاپ هم چراغ سبز خودش را به فیلم نشان دهد. در نهایت هم تمامی این تلاش به نتیجه نسبی رسید و پروژه « نوح » از خشم مذهبیون در امان ماند و از یک شکست مالی شدید جلوگیری شد.

## مقاله

عمدتاً به نثری با موضوعات غیرتخیلی گفته می شود که بخش مستقلی از یک کتاب، روزنامه، مجله و غیره را تشکیل می دهد. مقاله معمولاً نوشته ای است مربوط به یک موضوع ویژه.

## بخشی از یک مقاله ی سیاسی نوشته جعفر قنادباشی:

اهداف امریکا از تشکیل ارتش سنی در عراق

آمریکایی ها بعد از فروپاشی کامل ارتش بعثی عراق، در صدد بودند تا نیروهایی را آموزش دهند که در اجرای سیاست هایشان به آنها یاری برسانند. اما مخالفت های جدی در عراق مانع عملیاتی شدن این ایده گردید؛ این طرح از سطح تئوریک فراتر نرفت و به مرور زمان به فراموشی سپرده شد.

آمریکایی ها درصدد بودند که با فروپاشی نظام بعثی در عراق حکومتی متکی به خود ایجاد کنند؛ دغدغه آمریکایی ها برقراری حکومتی دمکراتیک در عراق نبوده است. اما با کوشش های آیت الله سیستانی و طرح بحث هر نفر یک رأی و انتخابات این طرح آمریکای ها شکست خورد. آنها در نخستین روزهای اشغال عراق اقداماتی از این دست انجام دادند، و یک نمایندگی تحت

عنوان فرمانده و حاکم عراق معرفی کردند. اما فشارهای شیعیان مانع دستیابی آمریکا به اهدافش شد. شیعیان از آن زمان شناخت خوبی نسبت به سیاست های آمریکایی پیدا کردند.

### **پژوهش**

پژوهش یا تحقیق یک روند هوشمندانه، هوشیارانه، خلاقانه و سامانمند برای یافت، بازگویی و بازنگری پدیده‌ها، رخدادها، رفتارها و انگاشته‌ها است. به طور معمول پژوهشگر نتایج پژوهش خود را در مجله‌های علمی ارائه می‌دهد. پژوهش در دو بعد «یافت پرسش پژوهش» و دیگر «پاسخ دادن به آن» می‌باشد.

## فهرست

تاریخ ادبیات ایران.....	۴
مکاتب ادبیات غرب.....	۱۰
ادبیات داستانی.....	۱۲
شعر.....	۱۵
متفرقه.....	۳۱